

1711

د. -
i
cor
✓ کور

کتاب

www.ketab.ir

پول اس باک
سوسن اردکانی

کتابدار

www.ketab.ir

سرشناسه: باک، پل ساین استریکر، ۱۸۹۲ - ۱۹۷۳ م. (Buck, Pearl S. (Pearl Sydenstricker)
 عنوان و نام پدیناآور: مادر / پل اس باک : [مترجم] سوسن اردکانی.
 مشخصات نشر: قم: نظاره، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۲۵۲ ص: ۵/۲۱x۵/۱۴ م.
 شابک: 978-622-6283-18-2
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: The mother.
 یادداشت: کتاب حاضر توسط در سالهای مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت منتشر شده است.
 موضوع: داستان‌های آمریکایی - قرن ۲۰ م.
 موضوع: American fiction -- 20th century
 شناسه افزوده: اردکانی، سوسن (شاهین)، ۱۳۳۲ - مترجم
 رده بندی کنگره: ۵۴/۸۱۳ P5۴۵۰۵ نی‌یوبی: یدنه مدر
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۳۲۱۰۰



📖 عنوان: مادر

✍ نویسنده: پل اس باک

✍ مترجم: سوسن اردکانی

🏠 ناشر: نظاره

📅 سال انتشار: ۱۳۹۸

📏 قطع: تعداد صفحات: ۳۵۲ رقی

👉 تیراژ: ۸۰۰

📖 چاپخانه: احسن

☑ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۳-۱۸-۲



📧 سامانه پیامکی: ۰۴۷۰۷۷۳۳۳۳۳۸

آماده شنیدن انتقادات و پیشنهاد های خوبتان هستیم

📞 ۰۹۲۷۲۲۲۲۵۴۵ / ۰۲۵۳۶۱۰۹
 @SOLS_BOOK 📱 @SOLS_BOOK 📷

♦ دفتر مرکزی: قم، بلوار شهید خداکرم کوچه ۲، پلاک ۱۴
 ♦ فروشگاه قم: خیابان معلم، مجتمع ناشران طبقه همکف، پلاک ۲۰ / تلفن: ۰۲۵۳۷۷۳۳۳۳۸
 ♦ فروشگاه تهران: میدان انقلاب، خیابان دوازده فروردین، خیابان شهدای زاهدی / روبروی اداره پست، پلاک ۱۲۰



مرکز پژوهش و نشر کتاب‌ها

فهرست

۷.....	پیشگفتار.....
۱۵.....	فصل ۱.....
۳۴.....	فصل ۲.....
۴۳.....	فصل ۳.....
۴۵.....	فصل ۴.....
۷۷.....	فصل ۵.....
۱۱۴.....	فصل ۶.....
۱۲۵.....	فصل ۷.....
۱۳۲.....	فصل ۸.....

١٤٢	فصل ٩
١٦٢	فصل ١٠
١٦٦	فصل ١١
٢٠٠	فصل ١٢
٢١٤	فصل ١٣
٢٢٥	فصل ١٤
٢٤٨	فصل ١٥
٢٦٩	فصل ١٦
٢٩٤	فصل ١٧
٣٠٥	فصل ١٨
٣١٢	فصل ١٩

پیشگفتار

خانم «پرل سیندستریکر باک» ۲۶ ماه ژوئن سال ۱۸۹۲ در «هیلز برو» غرب ایالت «ویرجینیای آمریکا» به دنیا آمد. پدرش «آبسالوم سیندستریکر» و مادرش «کارولین استالتینک» هر دو اهل «ویرجینیا» و از مبلغان مذهبی وابسته به کلیسای پروتستان بودند.

«پرل» پنج ماهه بود که با پدر و مادرش به «چین کیانگ» رفت و دوران کودکی را آنجا گذراند و زبان چینی آموخت. پانزده ساله بود که به مدرسه «شانگهای» رفت و در سال بعد، در هفده سالگی به آمریکا برگشت و وارد مدرسه «راندلف مکن» شد.

«پرل» که دختر دو مبلغ مذهبی بود، خود نیز مدت ها به تبلیغ دین پرداخت. دوره کالج را در آمریکا گذراند و دگر بار به چین بازگشت و در آنجا با جوانی امریکایی به نام «جان لاسینگ باک» ازدواج کرد.

فعالیت های فرهنگی خانم «باک» از سال ۱۹۲۳ شروع شد. در این سال اولین مقاله اش در مجله ماهانه «آتلانتیک» چاپ شد که مورد توجه ناشران قرار گرفت.

سال ۱۹۲۵ دوباره از «چین» به «امریکا» بازگشت و وارد دانشگاه شد و سرانجام به اخذ درجه دکترا از دانشگاه «کرنل» نائل گردید. در این سال بود که نخستین داستان خود را به نام «باد شرقی باد غربی» نوشت و در سال ۱۹۳۰ آن را منتشر کرد. به دنبال انتشار این کتاب در سال ۱۹۳۱ شاهکار دیگری به نام «خاک خوب» از او منتشر شد. مترجم پانزده سال پیش این اثر خانم «باک» را ترجمه کرد و انتشار داد. این کتاب به عنوان بهترین رمان سال برگزیده شد و جایزه ادبی «پولیتزر» (۱۹۳۲) به آن تعلق گرفت. در «خاک خوب» شرح نشیب و فرازهای زندگی دهقانی به نام «رنگ لانگ» مورد گفتگوست.

کتابهای «خانه‌ی خوب» و «خانه‌ی قسمت‌شده» تداوم حرکت فکری نویسنده به دنبال «خاک خوب» است که به ترتیب در سال‌های بعد از او انتشار یافت اما هیچ یک به موفقیت «خاک خوب» نرسید.

به دنبال انتشار رمان‌های شیرین و گریز این نویسنده به سال ۱۹۳۸ وی موفق به اخذ جایزه ادبی «نوبل» گردید.

طرح مذهبی و خط فکری ایمانی او که در کشاکش تمام داستان‌هایش وجود دارد، باعث شد که عده کثیری از منتقدان هنری، آثار او را «فاقد ارزش‌های هنری» بخوانند. این مستقدان نظر می‌دادند که: «تعصبات مذهبی خانم باک مانعی است برای این که هنر در آثارش جریان یابد». حال آن که از سوی دیگر استقبال بی‌نظیر طبقات مختلف کتابخوان از آثار او، این اعتقاد منتقدان را از رنگ و صدا می‌انداخت.

خانم «باک» یک پسر و یک دختر داشت که دخترش با جسمی سالم اما مغزی آشفته غمی سنگین برای مادرش بود. خانم «باک» پس از جدایی از شوهر اولش، با مرد دیگری به نام «ریچارد والش» که ناشر کتاب‌هایش بود ازدواج کرد.

به سال ۱۹۴۸ علائق مذهبی خانم «باک» موجب گردید که وی خانه‌ای به نام «خوشآمدسرا» بنیاد کرد. از تمام نژادها بچه‌های بی‌سپرست را به آن خانه می‌آورد و تحت سرپرستی و تعلیم و تربیت قرار می‌داد. از نژاد: زرد، سرخ، سفید و سیاه که تعداد آنان در سال اول بیش از هزار تن بود، از: چین، فیلیپین، ویتنام، کره و... به این بنیاد خیریه آورد می‌شدند. تمام حق تألیفات آثارش خرج این «بی‌واسرا» می‌شد.

یکی از نشریات ادبی موافق خانم «باک» به نام «کتاب‌های تازه» که در آمریکا منتشر می‌شد، نوشت:

- خانم «باک» نویسنده‌ای است که تمام روح بلند و انسانی‌اش در یکایک سطور کتاب‌هایش متجلی است. از آغاز با رنج و درد و آلام بشری آشنا شده و هرگز در راه خدمت به بشریت از هر نژاد و از هر رنگ، به قلب خویش راه نداده است. او این لحاظ او یک زن استثنایی است!

کتاب‌های زیر از آثار اوست:

باد شرقی باد غربی، خاک خوب، پسران، خانه قسمت شده، همه انسان‌ها با هم برابرند، مادر، میهن‌پرست، خدایان دیگر، دنیای گوناگون من، نسل ازدها، محبوبیم بازگرد، خانه خاک، فرشته جنگجو، انقلابی جوان، تبعید شده، زن درباری، زن اول

و داستان‌های دیگر، نامه‌ای از پکن، تابلو نقاشی کریسمس، از دور و نزدیک، کودکی که هرگز بزرگ نشد، این دل دیوانه، امروز و همیشه، از زنان و از مردان، اتحاد امریکا و آسیا، بچه‌های چینی همسایه، فرمانروای سپیده‌دم باش، بچه‌های گاومیش آب، آسیا و دموکراسی، پیمان، امریکا از نظر من چه‌گونه است، درخت مُرس، یک بامداد روشن، مردان خدا، لنی، گل پنهان، صید اژدها، به انسان‌ها بگویید، یولان خلبان چینی، گفتگویی از کشور روسیه، قصه یک عروسی، چه‌گونه اتفاق می‌افتد، خانه کلاه فرنگی، ستایو، زنان، خانواده، برج بلند، پثونی، آدم‌های شهری، شیطان هرگز نمی‌خوابد، میزگرد زنان، عشق جاودانی، دلدادگان به خانه باز می‌گردند، چهارده داستان، پلی برای عبور، خانواده‌ی از هم گسیخته، و چند رمان دیگر.

خانم «باک» در سال ۱۹۳۶ دو سرگذشت بسیار موفق نوشت. یکی در مورد مادرش به نام «تبعید» و دیگری درباره پدرش به نام «فرشته‌ی مبارز، تصویری از یک شخصیت» این کتاب‌ها نیز به همراه «زندگی در چین»، او را به جایزه‌ی نوبل بسیار نزدیک کردند. عده کثیری فرود قدرت قلم او را از زمانی می‌دانند که «نسل اژدها»ی او انتشار یافت که آخرین اثر برجسته او به شمار می‌رود.

این رمان داستان غم‌انگیزی است از مبارزات چین برای حفظ استقلال در برابر سلطه جویان ژاپنی در دهه ۱۹۳۰.

از این به بعد آثار خانم «باک» رو به افول می‌نهد. کثیری از منتقدان کارهای او را بیشتر تبلیغاتی می‌انگارند تا هنری.

خانم «باک» علاوه بر ۸۵ اثر منتشر شده، صدها داستان و سرگذشت راستین دیگر هم دارد که همه در مجلات و روزنامه‌ها منتشر شده است.

خانم «باک» روز ۶ ماه مارس سال ۱۹۷۳ چشم از جهان فرو بست. اما، کتاب «مادر» یک افسانه نیست و تمام حرکات به طور کامل، واقعی و قابل لمس و آشنا هستند. به این دلیل در «مادر» حرکت‌های «رمانتیک» و یا شیوه‌های «کلاسیک» نمی‌توان یافت.

انسان‌ها، حوادث و زندگی همان‌طور جریان دارد که باید باشد. آدم‌ها آن‌طور در کتاب‌های خانم «باک» تصویرسازی می‌شوند که گویی همه در زندگی ما آشنا و همسایه‌اند. از افراط گویی و تفریط کاری که اغلب مایه کاری برخی از نویسندگان است کمتر می‌توان نشان یافت. حتی به ندرت آثار سرسپردگی مطلق در خلال حرکت داستان‌های این نویسنده یافت می‌شود. مثل آن است که خود را تحت تأثیر آن چه که لمس می‌کند قرار می‌دهد، نه آن چه که می‌شنود.

در کتاب «مادر» طرح یک مادر کشاورز رنجیده، محروم، درمانده اما محکم و استوار و سخت مقاوم نقش یافته است. مادری که در سراسر حیات خویش، بسیار و بسیار رنج و حرمان می‌بیند، و کم و کمتر لذت دنیا و خوشی‌های حیات را می‌یابد. مادری که با همه‌ی حساسیت‌های یک مادر ارزشمند مواجه است و بیش از حد توان خود، رنج‌های بزرگ را بر سر راه زندگی خویش به ناچار می‌پذیرد.

«چین» به زمان سال‌های پیش از انقلاب بزرگ خود در متن

کتاب صحنه حرکت‌های این داستان است. حرکت‌هایی که از دشت‌های سرسبز و برنجزارهای چین آغاز می‌شود و در خشکی صحراها و صخره‌های سخت و تیز انجام می‌گیرد.

پای نامستول و دختری محروم از بینایی و دیگر پسری گرفتار و دربند حرکت‌های پیش ساخته سیاسی، مهره‌های اصلی این شطرنج‌اند و شطرنج‌ها در سراسر جریان زندگی «مادر» ترف ناپیر است. داستان از هر تجمل و رنگ تازه و زنده‌ای خالی است و پر است از فقر بارور، فقیر پرمعنی، فقری که روح را غنی می‌کند. این حرکت‌های صادقانه باعث شده تا «مادر» مفهوم «مادر» را به خود بگیرد. «مادر»ی که تنها وسیله ارضاء امیال تنی نباشد. کتاب «مادر» - جدا از آن که منتقدینی آن را دومین شاهکار خانم «باک» پس از «خاک خوب» می‌دانند - از همان ظرافت زندگی چینی روستایی سرشار است. به حدی دارای صمیمیت داستان‌پردازی است که بجای تردید نمی‌ماند که تمام حکایت راستین و روی داده است. تنها می‌ماند عوالم درونی و قلبی مادر که خانم «باک» بسیار ظریف آن را هم ترسیم کرده است. بی‌هیچ زیاده‌گویی و افراط‌آلودگی.

در کتاب «مادر» - مثل «خاک خوب» - باز هم نشانی از غم بزرگ خانم «باک» - یعنی فرزند علیش - دیده می‌شود. با این تفاوت که این مرتبه در قالب و سیمای دختری نابیناست. محرومیت در حرکت داستان تأسف‌آور نیست. بلکه خراشنده است و روح و جان را می‌ساید. در این اثر تورم هست اما تورم فقر و فلاکت با تمام ابعاد اندوهبارش.

در کتاب «مادر» چشم نویسنده به تجملات نیست. از ساکنین اتاق‌های بلند و بزرگ و پر نقش و نگار، اتاق‌هایی که از سریر تخت‌ها قندیل‌های فیروزه و زرناب و زمرد و مروارید آویزان است، نمی‌نویسد. «مادر» هم مثل بیشتر آثار خانم «باک» در مایه زندگی فقیران بلندنظر و صدیق است. آن‌هایی که هستی و لذت هستی را در تلاش روی کشتزارها می‌جویند و می‌یابند.

به خوبی حس می‌شود که نویسنده با تمام قهرمانان کتاب، سر و کار داشت. و زندگی خانم «باک» در «چین» زندگی از نوع آمیختن با عمق جاب‌به‌برده است نه ماندن در سطح صاف و بی‌ارزش آن. ... و به گفته خودش:

- بله، این حقیقتی است که تمام روزها برای «مادر» شبیه یکدیگرند. اما تنها مادر است که هرگز نباید این روزها را تیره و سنگین تلقی کند و باید با تمام روزها به خوبی و خوشی برخورد کند. اگر کسی از «مادر» چیزی بخواهد، اوست که باید به سرعت و صمیمانه پاسخ مثبت دهد و به هرزهرچشمی، با لبخند پاسخ بگوید! این «مادر» به خود می‌گوید:

خاک بذر یافته به نهال و بار می‌نشیند و همان شخم می‌رسد و باز فصل «برداشت» تمام می‌شود و باز شخم، کاشت، داشت و برداشت و ... تا عمر می‌گذرد، همچنان این تکرار می‌شود... خاک می‌ماند، اما بچه‌های شیرخوار مادر بزرگ می‌شوند و خانه «مادر» را ترک می‌کنند... و مادر که پیر و ناتوان شده باید دست تنها و تنها خودش باز بکارد و درو کند و از بامداد تا شامگاه این ریسنده چرخ فرسوده را بچرخاند... و باز هم... تا بمیرد.

بر این امید که صداقت سخن نویسنده با همه‌ی مفاهیم و معنایش از سوی مترجم صادقانه به خواننده سپرده شده باشد.

د- شاهین

www.ketab.ir